

کشتار ۶۷ لکه ننگی بر پیشانی حاکمیت سرمایه

زندانیان سیاسی در تاریخ معاصر ایران همواره شاهد ددمنشی ها و جنایات بسیاری از سوی حکام بوده ولیکن کشتار تابستان ۶۷ در زندانهای جمهوری اسلامی از برجستگی و اهمیت خاصی بر خوردار است . آنچه در تابستان ۶۷ رخ داد یک انتقام گیری و تسویه حساب گسترده از شریفترین و پاکترین زنان و مردان این سرزمین بود که بعد از اعدامهای ۶۰ و ۶۱ و ۶۲ به هیچ روی قصد سرخم کردن در برابر رژیم را نداشتند و در وضعیت رخوت باری که بر جامعه حاکم بود عملا زندانها را به کانون ایستادگی و مقاومت به هر شکل ممکن در برابر استبداد حاکم بدل کرده بودند . برای رژیم خلاصی از این استخوان در گلو به یک آرزو تبدیل شده بود و همواره مترصد فرصتی بود که این فرصت را رهبری مجاهدین با طرح ساده انگارانه عملیات " فروغ جاویدان " بدست داد و آنچه شد که نباید میشد در طی سه ماه از تپه های گیلانغرب تا سلول های اوین و گوهر دشت و سراسر ایران پشته ها از کشته ها فراهم آمد جنایاتی صورت گرفت که ابعاد آن بعد مرگ این رژیم ددمنش آشکار خواهد شد . این فقط ابعاد و وسعت این کشتار نبود که آنرا برجسته کرد بلکه جرات و جسارت رژیم بود که بدون هیچ هراسی در سکوت عجیب و سوال برانگیز تمام مجامع بین المللی دست به این جنایت هولناک زد . گویی این مجامع مجوز این توحش را به رژیم دادند . سکوتی که تا به امروز ادامه یافته (در حالیکه همین مجامع به خاطر بازداشت چند روزنامه نگار اصلاح طلب یا چند فعال مدنی سینه چاک کرده و به فغان و زاری می افتند) و هیچ ارگانی نه تنها سران رژیم را مورد مواخذه قرار ندادند بلکه به حمایت از عناصر پلید رنگ عوض کرده ای چون موسوی و رفسنجانی و که درتمام جنایات رژیم دست داشته اند , تحت عنوان اصلاح طلب پرداختند.

تابستان ۶۷ اوج مظلومیت شریفترین زنان و مردان این سرزمین اسیر در چنگال اوباشان جنایتکار جمهوری اسلامی بود که در نهایت سفاکی و رذالت به فرمان خمینی جلاد توسط عناصر پلیدی چون پور محمدی و اشراقی و نیری در بیدادگاه های قرون وسطایی با چند سوال ساده گروه گروه به جوخه های تیر باران و طنابهای دار سپرده شدند در حالیکه خواسته ای جز آزادی و برابری و عدالت ، جز نابودی استبداد و فقر و فحشا نداشتند . رژیم هزاران نفر را قربانی کرد به این امید که حیات ننگین خود را تداوم بخشد ، در سکوت و رخوتی که بر جامعه حاکم بود و از این کشتار تأثیری نپذیرفت ، این امید چندان هم غیر واقعی نبود و بیست و هشت سال دیگر به غارت و چپاول و کشتار به خرابی و ویرانی طبیعت و اقتصاد و فرهنگ این سرزمین ادامه داده اند . مرگ جمهوری اسلامی تنها راه برچیدن زندانهای مخوف و پایان این همه شکنجه و کشتار است . برماست که در سالگرد کشتار ۶۷ ، به جای صرفا گرامیداشت یاد عزیزان جانباخته در این کشتار با برگذاری نشستهایی به بررسی زمینه و ابعاد این فاجعه پردازیم.

گرامی باد یاد و خاطره جانباختگان راه آزادی

مرگ بر رژیم جنایتکار جمهوری اسلامی

زنده باد سوسیالیسم

سازمان اتحاد فداییان کمونیست

کمیته ایالتی تهران ۷/۵/۹۵